

دکتر دنیل کی. دارکو، انجیل لوقا، جلسه ۱۷، عیسی در دعا، لوقا ۱۱: ۱-۱۳

دن دارکو و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر دنیل دارکو هستم در حال تدریس در مورد انجیل لوقا. این جلسه ۱۷، عیسی در دعا، لوقا ۱۱: ۱-۱۳ است.

به مجموعه سخنرانی‌های الکترونیکی کتاب مقدس در مورد انجیل لوقا خوش آمدید.

می‌خواهم شخصاً از شما به خاطر دنبال کردن این مجموعه سخنرانی‌ها تشکر کنم، و امیدوارم با کاری که همکار عزیزم تد هیلدبرانت انجام می‌دهد، شما در حال یادگیری باشید و از این کار خیر که او این همه وقت و تلاش برای تحقق آن صرف می‌کند، بهره‌مند شوید. همانطور که به مجموعه سخنرانی‌هایمان ادامه می‌دهیم، شاید از جلسه قبلی به یاد داشته باشید که ما به بررسی تمثیل سامری نیکوکار پرداختیم و بحث فصل ۱۰ انجیل لوقا را با عیسی در خانه مارتا و خواهرش مریم به پایان رساندیم. درست در فصل ۱۱، خواهیم دید که لوقا برخی از مطالبی را که در موعظه بالای کوه متی می‌یابیم، برمی‌دارد و به طور دقیق بحث در مورد دعا را در همان ابتدا خواهیم یافت، چیزی که در فصل ۶ متی اتفاق می‌افتد، زمانی که عیسی شروع به صحبت در مورد تقوا کرد.

بنابراین، بیایید به لوقا فصل ۱۱ از آیه ۱ برگردیم و به برخی از چیزهایی که لوقا می‌خواهد با ما در میان بگذارد، حداقل از آیه ۱ تا آیه ۱۳، نگاهی بیندازیم. حال، عیسی در مکانی خاص دعا می‌کرد و وقتی دعایش تمام شد، یکی از شاگردانش به او گفت: «خداوندا، دعا کردن را به ما بیاموز.» همانطور که یوحنا به «شاگردانش آموخت، به آنها گفت:» وقتی دعا می‌کنید، بگویید: پدر، نام تو مقدس باد، پادشاهی تو بیاید

نان روزانه‌ی ما را هر روز به ما بده و گناهان ما را ببخش. زیرا ما خود هر که را که به ما بدهکار است، می‌بخشیم و ما را در وسوسه می‌اندازیم. و به ایشان گفت، آیه ۵، کدام یک از شما که دوستی دارد نیمه‌شب نزد او می‌رود و به او می‌گوید: ای دوست، سه نان به من قرض بده؟

یکی از دوستانم از سفر رسیده است و من چیزی ندارم که پیش او بگذارم. و او از درون خواهد گفت: مزاحم من نشو، در اکنون بسته است و فرزندانم با من در رختخوابند. نمی‌توانم برخیزم و چیزی به تو بدهم.

به شما می‌گویم، اگرچه به خاطر دوستی برنخیزد و چیزی به او ندهد، اما به خاطر بی‌احتیاطی‌اش، برمی‌خیزد و هر چه نیاز دارد به او می‌دهد. و به شما می‌گویم، بپرسید و به شما داده خواهد شد. بجویید و خواهید یافت.

بگویید، که در به رویتان گشوده خواهد شد. زیرا هر که بخواهد، جوینده را می‌یابد و هر که بگوید، در به رویش گشوده خواهد شد. کدام پدری از شما اگر پسرش ماهی بخواهد، به جای ماهی به او مار می‌دهد؟ و اگر تخم مرغ بخواهد، عقرب به او می‌دهد؟ پس اگر شما که بدکار هستید، می‌دانید که چگونه به فرزندان خود هدایای نیکو بدهید، پدر آسمانی چقدر بیشتر روح القدس را به کسانی که از او درخواست می‌کنند، خواهد داد؟ دعا و پشتکار.

در لوقا فصل ۱۱، آیات ۱ تا ۱۳، اجازه دهید قبل از اینکه به بحث در مورد بقیه متن بپردازیم، چارچوب وسیع‌تری را برای شما ارائه دهم. ابتدا، متوجه می‌شویم که عیسی عادت به دعا دارد و به دلیل عادت دعا کردن او در چنین مواقعی، یکی از شاگردانش نزد او می‌آید و متوجه بخش بسیار مهمی از نظم معنوی او

می‌شود و می‌پرسد که چگونه آنها نیز می‌توانند از آن الگو پیروی کنند. در اینجا، بُعد دیگری از شاگردی را می‌بینیم: یک شاگرد به دنبال یادگیری از استاد است.

شاگردان اینجا می‌خواهند به‌طور خاص یاد بگیرند که چگونه دعا کنند. نکته‌ی دیگری که در ادامه‌ی این جلسه کمی بیشتر با شما در میان خواهیم گذاشت، مفهوم خویشاوندی و دوستی است. به عبارت دیگر، در آموزه‌های پادشاهی خدا، عیسی آن را به عنوان یک امر خانوادگی مطرح می‌کند.

این یک سناریوی دادگاه نیست که در آن یک قاضی اینجا و آنجا با افراد سروکار دارد و سعی می‌کند هر کاری از دستش بر می‌آید انجام دهد، اما عیسی درباره یک پدر صحبت خواهد کرد. در ابتدای دعا، او از او به عنوان پدر آسمانی، آنطور که در متی می‌بینیم، یاد نمی‌کند. او فقط از او به عنوان پدر یاد می‌کند. بعداً، از خودش به عنوان پدر آسمانی یاد خواهد کرد.

و سپس، او به تصویر کشیدن اتفاقی که در فرانسه می‌افتاد، ادامه می‌دهد. و سپس مفهوم خویشاوندی را از سر می‌گیرد و همچنان به آنها نشان می‌دهد که آنچه در خطر است، مسئله‌ی رابطه‌ی بین پدر و فرزندان است، اگر دوست دارید، اینکه آنها باید هنگام نزدیک شدن به پدر به دعا فکر کنند و سپس دوباره بگویند که باید بدانند که خدا برای آنها نیت‌های بهتری نسبت به اربابان زمینی‌شان دارد. تأکید اصلی واضح خواهد بود که نه تنها لوقا به پدر آسمانی اشاره می‌کند، بلکه متوجه می‌شوید که لوقا بخش کلیدی از تأکید الهیات خود بر روح القدس را از سر می‌گیرد تا بگوید، برخلاف متی، که در واقع، پدر آسمانی نیز روح القدس را خواهد بخشید.

لوقای کاریزماتیک دوست دارد درباره هر چیزی که پیدا می‌کند صحبت کند. همانطور که ممکن است به یاد داشته باشید، لوقا در آیه ۱۳ از فصل ۱۱، می‌خواست مطمئن شود که این جمله از قلم نیفتاده است. پس اگر شما که شریب هستید، می‌دانید که چگونه به فرزندانان هدایای نیکو بدهید، پدر آسمانی چقدر بیشتر روح القدس را به کسانی که از او درخواست می‌کنند، خواهد داد؟ اکنون بیایید نگاهی دقیق‌تر به برخی از چیزهایی که عیسی در مورد دعا خواهد گفت، بیندازیم.

شاگردان از او می‌خواهند که به آنها دعا کردن را بیاموزد. عیسی با این کار، نه تنها به آنها می‌گوید که فقط از من پیروی کنید و این را بگویید، بلکه آنها را با رابطه با پدر آشنا می‌کند. او درباره احترام به پدر صحبت خواهد کرد.

او بر پادشاهی و نقشی که پدران در حال حاضر یا معمولاً در آن فضایی که نان‌آور خانواده هستند و امور خانواده را تأمین می‌کنند، ایفا می‌کنند، تأکید خواهد کرد. و عیسی در ادامه در مورد ابعاد رابطه‌ی خانواده یعنی بخشش و رهبری خانواده توسط سرپرست خانواده صحبت خواهد کرد. حال، اجازه دهید زمانی را برای باز کردن این پنج موردی که مطرح کردم، اختصاص دهم.

وقتی عیسی با شاگردان صحبت کرد و گفت، وقتی دعا می‌کنید، به پدر دعا کنید. در متی، می‌دانیم که او درباره پدر ما صحبت می‌کند. او یک یادداشت جمعی نه تنها از من، بلکه از پدر جمعی ما می‌آورد و سپس شروع به صحبت در مورد دعا به درگاه پدر می‌کند.

لوقا فقط می‌گوید، پدر. منظور لوقا این نیست که این فقط باید یک امر شخصی برای یک پدر باشد، بلکه لوقا در حال معرفی یک خطاب مستقیم به یک پدر است تا بگوید، به او دعا کنید، پدر، انگار که بگوید، این پدر من است. آنچه لوقا به ما نشان می‌دهد همان چیزی است که تاکنون در جاهای دیگر لوقا دیده‌ایم، جایی که عیسی وارد دعا می‌شود و وارد این رابطه صمیمی با خدا می‌شود و از خدا به عنوان پدر یاد می‌کند.

به عبارت دیگر، دعا یک آیین نیست. دعا نوعی نذر و نیاز نیست که کسی در یک زیارتگاه انجام دهد. دعا نوعی شیء نیست که کسی به مکانی پرتاب کند.

دعا یک رابطه است، تعاملی بین دو نفر یا یک یا چند نفر در یک رابطه خوب، به عنوان یک پدر و فرزندان. به این معنا، وقتی فرزندان نزد پدر می‌آیند، لوک دوست دارد به آنها یادآوری کند که قرار است این کار را بدون ترس انجام دهند. آوردن مفهوم پدر به تیم، برخی از عناصر ایده‌های خویشاوندی را نیز به همراه دارد.

دنیای باستان را وارد این رقابت کرد. من اغلب از دانش‌آموزانم در ایالات متحده در مورد مفهوم پدر پرسیده‌ام. هر چه سناریوها را یکی پس از دیگری در کلاس بررسی می‌کنیم، بیشتر متوجه می‌شویم که بسیاری از دانش‌آموزانم رابطه خوبی با پدرشان ندارند.

بعضی از آنها برای اینکه خدا را پدر خود بنامند، مشکل خواهند داشت. بعضی از آنها پدرشان را در خانه دارند، اما رابطه خوبی با پدر ندارند زیرا این مفهوم پدر مستبد را به پدر تحمیل کرده‌اند. حتی همانطور که برخی اعتراف می‌کنند، ممکن است پدر کاری نکرده باشد که سزاوار چنین چیزی باشد، اما گاهی اوقات به آنها آموخته شده است که مادری داشته باشند که ممکن است بیش از حد مشتاق باشد که سعی کند برخی از دستور کارهای فمینیستی را ارزیابی کند، شاید زیاده‌روی کند.

حالا، بگذارید این را توجیه کنم. من کاملاً طرفدار توانمندسازی فمینیستی و توانمندسازی زنان هستم، کاملاً به خاطر همین. من توسط یک مادر مجرد بزرگ شدم که بسیار بسیار قوی بود و کارهای بزرگی انجام می‌داد، و من دو دختر بزرگ می‌کنم که همیشه به آنها می‌گویم می‌توانند هر چیزی که می‌خواهند باشند و من معتقدم که آنها می‌توانند این کار را انجام دهند، و من آنها را طوری بزرگ می‌کنم که بهتر از من عمل کنند.

بنابراین، مسئله اینجا جنسیت نیست، اما برخی از دانش‌آموزان من به من اعتراف کرده‌اند که در واقع، به آنها آموخته شده است که مردان را به شیوه‌ای خاص ببینند. آنها نمی‌توانند ایده پدر را به پدری که دارند منتقل کنند. قسمت غم‌انگیز ماجرا زمانی است که به دانش‌آموزانم فکر می‌کنم، مردان جوانی که با مفهوم پدر بودن دست و پنجه نرم می‌کنند و اینکه چگونه می‌توانند فردا پدر شوند.

وقتی لوقا می‌گوید، وقتی دعا می‌کنید، عیسی در لوقا گفته است که از خدا به عنوان پدر یاد کنید. او در مورد پدری که من و شما ممکن است داشته باشیم و از آن خوشمان نیاید یا برداشت‌های متفاوتی از آن داشته باشیم یا، می‌دانید، ممکن است حتی برای ارتباط برقرار کردن با آن پدر مشکل داشته باشیم، صحبت نمی‌کند. ایده پدر ایده‌آل در والدین یهودی معبد دوم مثبت بود.

پدر سرپرست خانواده است. پدر متولی آبروی خانواده است. پدر خانواده را تأمین، محافظت، راهنمایی و حفظ آبروی خانواده را بر عهده دارد.

پدر تمام چیزهای خوب را برای خانواده حفظ می‌کند. پدر سخت تلاش می‌کند تا برای خانواده یک کشور بسازد. پدر برای فرزندان ارثی به جا می‌گذارد تا وقتی او رفت بتوانند با آن زندگی کنند.

تمام زندگی پدر وقف رفاه خانواده است. به عنوان سرپرست خانواده، هر مشکلی که در خانه پیش بیاید به گردن او می‌افتد. اگر کسی در خانه حالش خوب نباشد، شرم بر او باد.

سپس پدر به این شخصیت تبدیل می‌شود که بله، سرپرست خانواده است، اما این یک خانواده مستبد، یک رهبر مستبد نیست، بلکه او سرپرست خانواده‌ای می‌شود که از خانواده‌اش مراقبت می‌کند، با همسرش

همه‌هنگ کار می‌کند، یا در یک جامعه یهودی، گاهی اوقات همسران. اما باید این را بدانید. پدری که عیسی به آن اشاره خواهد کرد و چیزی که در گوش‌ها طنین‌انداز می‌شود، تصویر مثبتی از تمایل یک کودک برای شبیه شدن است.

یکی از زنان خانه احساس می‌کند که مورد محبت قرار گرفته است. یکی از مردان جوان خانه آرزوی مدل شدن دارد. کسی که بهترین عملکرد را دارد.

اما لوقا حتی این را بالاتر از آن قرار می‌دهد، زیرا در متن، از او به عنوان پدری در آسمان یاد می‌کند. آیا می‌توانم در این سخنرانی مداخله کنم و سعی کنم به شما یادآوری کنم که ممکن است رابطه خوبی با پدرتان نداشته باشید؟ ممکن است مفهوم پدر بودن در مورد یک پدر بسیار بسیار دشوار باشد.

اما اجازه دهید به شما یادآوری کنم که پدر آسمانی شما مانند پدر زمینی شما نیست. هیچ پدر مهربانی روی زمین حتی با آنچه پدر آسمانی می‌تواند انجام دهد و باشد، قابل مقایسه نیست. اجازه دهید شما را تشویق کنم که در پذیرش این مفهوم از یک پدر مهربان و دلسوز به نام خدا، که می‌توانیم به او نزدیک شویم، او را در آغوش بگیریم، او را دوست داشته باشیم و احساس کنیم که او دوستانه دارد و از او مراقبت می‌کنیم، به من بی‌یونید.

بگذارید اینجا با شما روراست باشم. من توسط یک مادر مجرد بزرگ شدم. پدری داشتم که مرا دوست داشت اما در کنارم نبود.

او هر از گاهی می‌آید، با تمام خوبی‌هایش مرا عروس می‌کند و بعد می‌رود. اما من همیشه می‌دانستم که او مرا دوست دارد اما آنجا نبود. من هرگز نمی‌خواستم چنین پدری باشم.

می‌خواستم پدری باشم که همیشه حضور دارد. می‌خواستم پدری باشم که همیشه در کنار فرزندانم باشد. بنابراین، مثل من، ممکن است شما پدری نداشته باشید که همیشه در کنارشان باشد.

یا مثل من، ممکن است پدری داشته باشید که نمی‌خواهید مثل او باشید. اما وقتی وارد دعا می‌شویم، لوقا همانطور که عیسی به شاگردان گفت، به ما یادآوری می‌کند که دعا کنیم، پدر، پدر، پدر، همانطور که دخترانم دوست دارند انجام دهند، پدر. و آنها از من یک سوال، هر سوال، و هر سوال می‌پرسند.

بعضی وقت‌ها، احساس می‌کنم که دارم با آنها امتحان می‌دهم. آنها سخت‌ترین سوالات را از من می‌پرسند، چیزهایی که جوابی برایشان ندارم. اما این چیز خوبی است وقتی که رابطه خوبی با پدر آسمانی‌ات داری؛ بدون ترس به سراغش می‌روی و او را خطاب می‌کنی، پدر، و شروع به صحبت با او می‌کنی.

لوقا می‌گوید وقتی دعا می‌کنید، اولین موردی که باید در فهرست دعاهایتان برای آن دعا کنید این است که نام او تقدیس شود. کلمه یونانی به معنای جدا شدن، تقدیس شدن، و تکریم شدن است. به عبارت دیگر وقتی دعا می‌کنید، یکی از مسائل اصلی که به عنوان یک شاگرد واقعی خداوند عیسی مسیح در ذهن خود دارید، تکریم پدر آسمانی شماست.

او می‌تواند به شما کمک کند، و در زندگی شما و از طریق زندگی شما، نام او گرامی داشته شود. نام او می‌تواند جلال یابد. نام او می‌تواند تقدیس شود.

این کلمه انگلیسی که من نمی‌شنوم زیاد استفاده می‌شود؛ ببخشید، انگلیسی زبان اول من نیست. زیاد نمی‌شنوم که مردم درباره مقدس بودن صحبت کنند. اما می‌بینید، درباره محترم بودن صحبت می‌شود.

بگذار نام تو در من و از طریق من گرامی داشته شود. وقتی می‌گوییم نام تو مقدس باد، در واقع همین را می‌گوییم. این بخشی از وظیفه خویشاوندی است.

بچه‌ها برای احترام به والدینشان زندگی می‌کنند، و آرزویشان این است که به والدینشان احترام بگذارند. پدر همیشه به این بچه‌ها به خاطر خودشان افتخار می‌کند. و آرزوی بچه‌ها این است که واقعاً بگویند، من می‌خواهم برای احترام به پدرم زندگی کنم. اما به خط بعدی توجه کنید.

وقتی دعا می‌کنی، او می‌گوید، دعا کن که پادشاهی تو بیاید. سلطنت تو می‌آید. بیا و حکومت کن.

بیا و مسئولیت را به عهده بگیر. می‌بینی، پادشاهی خدا، سلطنت خدا در زندگی‌ها، در قلب‌ها، در ذهن‌ها و در امور کسانی است که تسلیم رهبری و اراده او شده‌اند. وقتی دعا می‌کنی، او می‌گوید، دعا کن پادشاهی تو بیاید.

و این دعای قدرتمندی است زیرا اگر سلطنت خدا در کار باشد، هیچ کس، هیچ قدرتی نمی‌تواند در آنچه خدا قرار است در زندگی شما انجام دهد و انجام خواهد داد، دخالت کند. او می‌گوید، وقتی دعا می‌کنید، در قلب کسانی که با کشاورزی امرار معاش می‌کنند و نیازهای آنها دعا کنید، همانطور که عیسی با آن بزرگ خواهد شد. دعا کنید که پدر به ما نان بدهد.

دعا کنید که پدر به ما چیزی برای خوردن بدهد. و در برخی از نقاط خاورمیانه امروز، گاهی فکر می‌کنم که این به ما این را می‌دهد، آنها به معنای واقعی کلمه هستند. اینکه تقریباً هر وعده غذایی باید با مقداری نان خوب، صاف و بی‌حس همراه باشد، و ما بنشینیم، و آن را بپیمیم، و در چیزی فرو کنیم، و بخوریم.

و این خوبه. خوبه. اینو بهمون بگو: اونا عمدی هستن.

بله، این مسئولیت پدر است که نیازهای خانواده را تأمین کند. اما نکته‌ای در آن دستور زبان اینجا بسیار جالب است. عیسی در مورد وظیفه پدر برای تأمین معاش صحبت می‌کند.

اما وقتی می‌گوید، امروز، نان روزانه‌ی ما را به ما بده، کلمه‌ای که روزانه ترجمه می‌شود، کلمه‌ی بسیار جالبی است. این کلمه را می‌توان روزانه ترجمه کرد. بنابراین، می‌تواند نان روزانه باشد.

می‌تواند به نانی که برای فردا نیاز داریم اشاره داشته باشد، یا می‌تواند نانی باشد که برای ما ضروری است. من سه گزینه را روی صفحه به شما می‌دهم تا بتوانید آنها را دنبال کنید. در هر صورت، چیزی که به نظر می‌رسد این دعا پیشنهاد می‌دهد این است که ما باید دعا کنیم و به خدا اعتماد کنیم تا غذای مورد نیازمان را فراهم کند.

این دعایی است که ریشه در اعتمادی دارد که یک پدر می‌تواند ارائه دهد. و سپس لوقا متعاقباً به دعا، درخواست و آموزش به شاگردان برای دعا جهت بخشش گناهان ما ادامه می‌دهد. هم در لوقا و هم در متی، بخشش دو بُعد دارد.

بخشش همانطور که خدا می‌بخشد و بخشش همانطور که ما یکدیگر را می‌بخشیم. اگر بحث قبلی با وکیل را به خاطر داشته باشید، خداوند خدای خود را دوست بدارید و همسایه خود را مانند خودتان دوست بدارید. در اینجا، دعا به بخش دیگری از ابعاد رابطه‌ای می‌پردازد.

وقتی در شرایطی هستید که خانواده دور هم جمع هستند و همه به کار یکدیگر مشغولند، بالاخره یکی به یکی بدی می‌کند. می‌دانید، دوست دارم بگویم که این گونه‌ی شگفت‌انگیز وجود دارد که ما آن را آدم می‌نامیم. آدم‌ها، وقتی آنها را ندارید، احساس تنهایی می‌کنید.

بعضی وقت‌ها، وقتی دور و برت نیستند، واقعاً احساس بدبختی می‌کنی. وقتی آنها را داری، گاهی مایه دردسر هستند. بعضی وقت‌ها، تو را خوشحال می‌کنند.

بعضی وقت‌ها واقعاً ناراحت می‌کنند. بعضی وقت‌ها، بدنت را اشتباه می‌ماند. بعضی وقت‌ها، وقتی نمی‌خواهی قلقلکت بدهند، قلقلکت می‌دهند.

اما می‌بینید، مردم، مردم هستند، و ما اینجا تنها چیزی که داریم مردم هستند، و ما همیشه به مردم نیاز خواهیم داشت. بنابراین، هر زمان که در یک محیط خانوادگی هستید، یک بُعد رابطه‌ای وجود دارد. و اگر خانواده خدا را با این همه فرزند، از جمله من، در آن خانه تصور کنید، می‌توانید تصور کنید.

بسیاری از مردم به بسیاری از مردم ظلم می‌کنند. ما به بخشش نیاز خواهیم داشت. عیسی می‌گوید همانطور که ما یکدیگر را می‌بخشیم، از خدا طلب بخشش کنید تا پویایی گروهی در خانه خدا ریشه در روحیه سخاوت داشته باشد که به ما امکان می‌دهد یکدیگر را ببخشیم و به خوبی با هم ارتباط برقرار کنیم.

به عنوان یک پسر کاتولیک، باید به شما بگویم، یکی از چیزهایی که در دوران کودکی در خانه کاتولیکم یاد گرفتم، خواندن دعای ربانی بود، نسخه‌ای که در انجیل متی آمده و در دیداکه نیز تکرار شده است. و به جایی رسیدم که دعای ربانی را بارها می‌خوانم، و گاهی اوقات که برای اعتراف می‌روم، کشیش همان نوع دعا را به من می‌دهد، و من فقط، می‌دانید، و فقط می‌آیم و آنها را می‌خوانم. و در مقطعی، معنی آن دعا را از دست می‌دهم.

این دعا اصلاً به من ربطی ندارد. اما با افزایش درک من از آموزه‌های عیسی، بخش مربوط به رابطه‌ی آن را درک می‌کنم. عیسی می‌گوید، وقتی به خدا نزدیک می‌شوید، خدایی را تصور کنید که می‌توانید با او ارتباط برقرار کنید، خدایی را تصور کنید که می‌خواهید آبرویش را حفظ کنید، خدایی را تصور کنید که قادر است شما را تأمین کند، از او بخواهید که تأمین کند، خدایی را تصور کنید که قادر است شما را ببخشد، از او بخواهید که ببخشد، خدایی را تصور کنید که از شما انتظار دارد دیگران را در خانه که اشتباه می‌کنند یا علیه شما بدی می‌کنند ببخشید، و خدایی را تصور کنید که به وسوسه نمی‌افتد، کسی که در مسیرهای درست هدایت می‌کند، کسی که به راه درست هدایت می‌کند، و دعا کنید که او باعث شود این اتفاقات در زندگی شما رخ دهد.

و ببینید، و ببینید، عیسی به شاگردانش می‌آموزد که در واقع، اگر شما به عنوان یک شاگرد، آن رابطه با خدا را تقویت کنید، و آن انضباط معنوی، یعنی دعا، را به بخش کلیدی زندگی خود تبدیل کنید، توسط خدا، هدایت، راهنمایی و تأمین خواهید شد. اما مبادا مردم فکر کنند که خدا به دعاهایشان پاسخ نخواهد داد. عیسی ادامه می‌دهد و مثالی را که گفته بود، بیان می‌کند. در آن مَثَل، او درباره آن دوستی که به دیدارش آمده بود صحبت کرد.

و اینجا، وقتی دوست می‌آید، نیمه‌شب می‌آید. باید بدانید که در این زمینه، آبرو و شرم مسئله‌ی بزرگی است. اینکه یک دوست به دوستش پاسخ ندهد اگر دیگران بشنوند که دوستش تماس می‌گیرد و دوست دیگری کمک نمی‌کند، این شرم‌آور و خجالت‌آور است.

دوستان واقعی این کار را نمی‌کنند. رسم بر این است که دوستی که در خانه‌ی دوستش را می‌زند، وارد می‌شود. اما لطفاً، به این سناریو طوری فکر نکنید که انگار در آمریکا یا یک کشور آفریقایی هستید و کسی وارد می‌شود و شما در را باز می‌کنید یا باز نمی‌کنید.

نه. یک خانه مدیترانه‌ای باستانی را تصور کنید که در آن با خانواده خود به رختخواب می‌روید. همه شما در یک خانه نسبتاً بزرگ با یک در زندگی می‌کنید. بستن در و ایمن نگه داشتن آن از حیواناتی که می‌توانند نفوذ کنند و برای آسیب رساندن به کسی وارد شوند، کار زیادی می‌برد.

بنابراین، اگر کسی وارد شود و بگوید که آن شخص در می‌زند، انجام این کار به تلاش زیادی نیاز دارد. و از آنجا که تمام خانواده در یک فضا هستند، این حرکت همچنین باعث بیدار شدن مردم خواهد شد. همانطور که عیسی این مثل را گفت، در واقع عیسی دقیقاً همین را می‌گوید.

اینجا در دسر زیادی وجود دارد. بله، او یک دوست است. خجالت‌آور است که یک دوست نمی‌تواند به دیگری کمک کند.

اما توجه کنید که عیسی اینجا نیز چه می‌کند. او همچنان در نحوه‌ی بحث در مورد امور پادشاهی، رابطه را مطرح می‌کند. او در این مورد چهار بار از کلمه‌ی دوست استفاده می‌کند.

بنابراین بله، رسم و رسوم این را دیکته می‌کند. و عیسی توضیح می‌دهد که برای یک دوست خیلی سخت خواهد بود که بلند شود و به کسی که درخواست می‌کند نان بدهد. البته، معمولاً شما نان درست نمی‌کنید و نان اضافی را در آن شرایط رها نمی‌کنید.

اما می‌دانیم که ممکن است مقداری غذا باقی بماند و این دوست بتواند به نحوی در این سناریو نیاز را برآورده کند. اما عیسی می‌خواست به ما یادآوری کند که قبل از اینکه شنونده فکر کند کسی که حاضر نیست برخیزد و کمک کند، دوست خوبی نیست، او در این تمثیل بیان می‌کند که این موضوع به خاطر ناراحتی است. آشفتگی خانواده و سایر مسائل مرتبط در اینجا مطرح است.

اما بعد او ادامه می‌دهد و نکته‌ی برجسته‌ای را مطرح می‌کند. می‌بینید، این به خاطر دوست بودن او نیست، بلکه به این دلیل است که دوستی که آن شب دیر می‌آید، پافشاری می‌کند. چون او پافشاری می‌کند، همسایه‌ها حتی می‌توانند صدای درخواست کمک او را بشنوند.

به خاطر آن پافشاری در سخنان عیسی و من که خواندم، به شما می‌گویم، اگرچه او بلند نمی‌شود و چیزی به او نمی‌دهد چون دوستش است، اما به خاطر گستاخی‌اش، به خاطر پافشاری‌اش، برمی‌خیزد و هر چه نیاز دارد به او می‌دهد. در همین راستا است که عیسی به آنها می‌گوید، باید بخواهید و به شما داده خواهد شد. باید بجوید و خواهید یافت.

باید در بزنی، و در به رویت باز خواهد شد. زیرا هر که بپرسد، دریافت می‌کند، و هر که بجوید، می‌یابد، و هر که در زند، در به رویش باز خواهد شد. همین گفته در انجیل متی، فصل ششم، در موعظه عیسی بالای کوه تکرار شده است.

اما کاری که عیسی با ربط دادن این موضوع به بحث دعا انجام می‌دهد این است. پدری را که اینجا درباره‌اش صحبت می‌کنیم درک کنید: عیسی سعی دارد از این پدر بپرسد؛ به این پدر فریاد بزنید، اگر پاسخی دریافت نمی‌کنید، پافشاری کنید، بپرسید و بپرسید، بجوید و بجوید، در بزنید و بکوبید، و سپس تیم را بیرون می‌آورد. به یاد داشته باشید، او دعا را در آیات یک و دو شروع کرد و گفت که باید به پدرتان دعا کنید.

او حالا به آن موضوع خاص برمی‌گردد و می‌گوید، حالا که این را به شما گفته‌ام، بگذارید از شما سوالی بپرسم. کدام پدری از شما اگر پسرش ماهی بخواند، به جای ماهی به او مار می‌دهد؟ یا اگر تخم مرغ بخواند، عقرب به او می‌دهد؟ زیرا اگر شما که بدکار هستید، می‌دانید که چگونه به فرزندان خود هدایای نیکو بدهید، چقدر بیشتر پدر آسمانی روح القدس را به کسانی که درخواست می‌کنند خواهد داد؟ قبل از اینکه در این مورد توضیح دهم، دوباره به آن متن نگاهی بیندازید و به آن سطر آیه ۱۲ نگاه کنید. اگر تخم مرغ بخواند، عقرب به شما داده می‌شود.

شاید با عقرب آشنا نباشید و بگویید چه شباهتی بین تخم و عقرب وجود دارد؟ اگر می‌دانید عقرب چیست، اگر عقرب را بشکنید یا روی آن پا بگذارید، اندام‌های داخلی آن بیرون می‌ریزند. شبیه مخلوطی از تخم‌ها ترکیبی زردرنگ است. به عنوان یک پسر روستایی، بارها و بارها، عقرب‌ها در کفش‌هایم بودند. نمی‌دانستم که پاهایم را داخل کفش‌هایم می‌گذارم و آنها را له می‌کنم و از این قبیل اتفاقات، و می‌توانم به شما بگویم که این حس خوبی نیست.

شما همیشه احساس خوش‌شانسی می‌کنید که توسط آن عقرب مورد اصابت قرار نمی‌گیرید، زیرا عقرب‌ها می‌توانند سمی باشند. اما عیسی در اینجا با این تشبیه از یک پدر چه می‌گوید؟ عیسی سعی دارد به مخاطبان خود یادآوری کند، زیرا شاگردان می‌خواهند بدانند که آنها، به عنوان پدران طبیعی، از حساسیت‌های یک پدر بسیار آگاه هستند. و به عنوان پدران طبیعی، همیشه بهترین‌ها را برای فرزندان‌شان آرزو می‌کنند.

در اینجا، من نقدی بر این تصور رایج، به ویژه در تمدن غرب، ارائه می‌دهم که پدران باستانی همیشه مستبد بودند، خیلی به فرزندان‌شان اهمیت نمی‌دادند و اینکه یک شخصیت پدر همیشه مشکل‌ساز بوده است. من پویایی خانواده در دنیای باستان و خانوارها را در عهد جدید مطالعه می‌کنم. نمی‌دانم آنها این واقعیت را از کجا آورده‌اند، زیرا نمی‌توانم آن را در هیچ کجا پیدا کنم.

همیشه جریان آنها در زمینه‌ای وجود دارد که ممکن است پدری از کودکی سوءاستفاده کند، و فیلسوفان ممکن است آن را پاک کنند و محکوم کنند. با این حال، پدر ایده‌آل همیشه بهترین‌ها را برای فرزندان‌شان دوست دارد و از آنها مراقبت می‌کند. کل این ایده که یک پدر، پدری بی‌رحم است که به هیچ کس اهمیت نمی‌دهد، یک اصطلاح غلط است که کسی به آگاهی اجتماعی ما تزریق کرده است.

می‌بینید که در اینجا، عیسی از شاگردانش درخواست می‌کند که حتی پدران اطرافش نیز حساسیت‌های طبیعی یک پدر را که بهترین‌ها را برای فرزندان‌شان می‌خواهد، می‌دانند. او سعی دارد این نکته را برجسته کند که در واقع، خداوند بهترین‌ها را برای فرزندان‌شان می‌خواهد و به دعاهای آنها پاسخ خواهد داد و بهترین‌ها را به آنها خواهد داد. به همین دلیل است که آنها باید بپرسند و پیوسته بپرسند؛ آنها باید بگویند و پیوسته بگویند.

بنابراین، اگر آنها، به عنوان پدر، می‌دانند چه چیزی برای فرزندان‌شان بهترین است، عیسی به آنها می‌گوید که باید به خشنودی پدر آسمانی اعتماد کنند تا هدایای خوب را به فرزندان‌شان بدهند. آنها خودشان وقتی می‌توانند چیزهای خوب را به فرزندان‌شان بدهند، خوشحال می‌شوند و حاضر نیستند عقرب یا مار یا افعی برای فرزندان‌شان بدهند. بنابراین، پدر آسمانی از دادن بهترین چیزها به فرزندان‌شان خوشحال می‌شود.

در اینجا، برجسته کردن تصویر پدر آسمانی، این واقعیت را برجسته می‌کند که پدری در آسمان وجود دارد که می‌تواند آنچه را که پدر زمینی نمی‌توانست فراهم کند و انجام دهد. من فرزندانم را دوست دارم؛ من آنها را صمیمانه دوست دارم و همه کار را برای آنها انجام خواهم داد. اما من هرگز نمی‌توانم نیم چهارم یا 10 درصد کاری را که پدر آسمانی می‌توانست برای فرزندانم انجام دهد، برای آنها انجام دهم.

نکته دیگری که باید در اینجا به آن توجه کرد، تأکید لوقا بر دعا و روح القدس است. لوقا می‌خواست به مخاطبان، یعنی شاگردان در یک زمان، یادآوری کند که فقط پدر نیست که برای فرزندان نان فراهم می‌کند؛ فقط پدر نیست که فرزندان را می‌بخشد و آنها را از وسوسه دور نگه می‌دارد. آن پدر حتی از دادن روح القدس به آنها نیز لذت می‌برد.

برادران و خواهران عزیزم، پس از این مجموعه سخنرانی‌ها، می‌خواهم به شما یادآوری کنم که ما پدری آسمانی داریم که ما را بسیار دوست دارد. او شما را به تصویر و شباهت خود آفرید و از پذیرش آنچه جامعه می‌خواهد شما باشید یا می‌خواهد شما را طوری تصویر کند که گویی مهم نیستید، امتناع ورزید. شما در نظر پدر آسمانی مهم هستید و پدر آسمانی مشتاق و مایل است اگر به عیسی مسیح فرصت داده‌اید تا پروردگار و ناجی شخصی شما باشد، به شما گوش فرا دهد.

شما می‌توانید خدا را به عنوان پدر خود بخوانید؛ می‌توانید به او دعا کنید. می‌توانید همانطور که در نسخه لوقا از دعای ربانی آمده است، به او دعا کنید. و می‌توانید با پشتکار به او دعا کنید، با این آگاهی که پدر آسمانی شما مایل است لذت یا چیزهای خوب، هدایای خوبی را که برای فرزندان دارد، به آنها بدهد.

نمی‌دانم شما چطور، اما بزرگ شدن در دامن یک مادر مجرد و رسیدن به درک کاملی از پدر آسمانی‌ام، جایگاه مرا در خدا تثبیت کرده، عزم مرا برای داشتن زندگی‌ای که جلال خدا را به ارمغان می‌آورد، تقویت کرده و به من روحیه‌ای جسورانه بخشیده تا با این آگاهی که پدر آسمانی‌ام همیشه در دسترس است و برای یک هدف خوب، ما را هدایت، رهبری و هدایت می‌کند، به پیش بروم. دعا می‌کنم و اطمینان دارم که با دنبال کردن این مجموعه سخنرانی‌ها، نه تنها به بینش فکری که ممکن است به دست آورید فکر کنید، بلکه به بُعد رابطه‌ای که عیسی در گفتمان خود به کار می‌برد نیز فکر کنید. او با پدری رابطه داشت که می‌توانید به او دعا کنید، از شما مراقبت می‌کند و می‌توانید به او اعتماد کنید.

باشد که آن خدا، باشد که آن پدر، فیضی را که نیاز دارید به شما عطا کند. باشد که او به شما قدرت و عزمی را که نیاز دارید عطا کند تا پیرو وفادار عیسی باشید، یا بهتر بگوییم شاگرد وفادار خداوند عیسی. همانطور که او می‌خواهد ما باشیم. خدا شما را حفظ کند، و امیدوارم که به یادگیری با ما ادامه دهید.

متشکرم.

من دکتر دنیل دارکو هستم و در حال تدریس در مورد انجیل لوقا. این جلسه ۱۷، عیسی در دعا، لوقا ۱۱ است. ۱-۱۳.